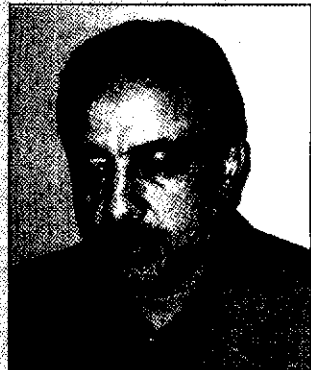


ریشه‌های سیاسی مدیریت انرژی در خاورمیانه



بهمن آقازنی

تعریف اسرائیل در خاورمیانه

با اکتشاف نفت قبل از جنگ جهانی اول و جابه‌جایی قدرت‌های جهانی بعد از آن جنگ، تجربه و تبیین سیاست‌های بلند مدت و موثر برای بهره‌برداری آسان، ارزان و ماندگار از انرژی فسیلی برای گردش چرخ صنعت غرب به مهمترین دغدغه غرب تبدیل شد و تحقق این راهبرد در پیوند با امنیت اسرائیل در خاورمیانه به صورت اولویت و ضرورت اول برای آمریکا در جهان و منطقه درآمد. در واقع مدیریت و کنترل انرژی در خاورمیانه تنها با حفظ و حمایت از اسرائیل بعنوان یک پادگان کاملاً نظامی پیشرفته در خاورمیانه امکان پذیر بود.

در اسناد وزارت امور خارجه آمریکا، مورخ اول دسامبر ۱۹۴۳، از اکتشاف منظم کلیه منابع تحت کنترل آمریکا و منابع تحت کنترل انگلیس برای نیل به حداکثر تولید ممکن و در اسرع وقت سخن به میان آمده و به دلایل امنیتی توصیه شده بود که سطح تولید نفت خاورمیانه به حداکثر ممکن افزایش یابد و منابع نیمکره غربی دست نخورده باقی بماند، چرا که در صورت بروز جنگ، دفاع از ذخایر آمریکا و دریای کارائیب آسانتر است.^۱

یادآوری این نکته نیز جالب است که «بی جهت نبود که آمریکا پیشنه‌های صدام حسین (چند روز قبل از حمله آمریکا به عراق در اوت ۱۹۹۱) برای خروج از کویت را نادریده گرفت و اجازه بحث و گفتگو بر سر آن را نیز نداد تا برنامه نمایش خود را به پیش ببرد.^۲

ملاحظه می‌شود که نفت و انرژی و تضمین دسترسی آسان به آن در همه برنامه ریزی‌ها و راهبردهای آمریکا و غرب جایگاهی یگانه و خاورمیانه، در میان مناطق و کشورهای دنیا، موقعیت ممتازی را به خود اختصاص داده‌اند. عبور تا ۶۵ درصد نفت جهان صنعتی از این منطقه صورت

۱۹۷۹ کاملاً به بن‌بست رسیده بود. وقوع چهار جنگ میان اعراب و اسرائیل، شکست‌های نظامی و سیاسی قاطعی را به اعراب تحمیل کرده و به انسداد کامل سیاسی در خاورمیانه منجر شده بود. بدین ترتیب و در عمل مفهوم شکست اعراب در برابر اسرائیل مورد پذیرش بازیگران کوچک و بزرگ منطقه قرار گرفته و شورش‌ها یا حرکت‌های انقلابی، حتی حرکت فتح در فلسطین، به نظر به بن بست رسیده بود.

در چنان وضعیتی، تنها متحدان مورد اطمینان آمریکا در منطقه امکان دسترسی به تاسیسات و فناوری هسته‌ای را یافته بودند. به غیر از اسرائیل، پیمان استفاده صلح آمیز هسته‌ای شاه و آمریکا در سال ۱۹۵۷ میلادی، حتی قبل از امضای معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در ۱۹۶۸ (NPT) به امضاء طرفین رسید. و اسرائیل نیز سال‌ها بود که به احداث تاسیسات و بهره‌برداری نظامی از تاسیسات خود، به کمک غرب، پرداخته بود.^۳

انسداد سیاسی و امنیتی ایجاد شده را پیروزی انقلاب اسلامی به چالش کشید. در نتیجه غرب در صدد برآمد با یک حرکت نظامی مبتنی بر جاه‌طلبی منطقه‌ای عراق وضع موجود (status quo) را حفظ کند. هدف از تحریک رژیم عراق و دادن وعده‌های گوناگون به صدام حسین، آن‌طور که از اسناد منتشره در غرب و اظهارات مقامات غرب بر می‌آید، تنها مهار ایران اسلامی نبود، بلکه موجبات تضعیف عراق را نیز فراهم می‌کرد. اعلام سیاست مهار دوگانه بیان نظری خط مشی‌ای بود که بر اساس آن با کنترل ایران و عراق، همچنان اسرائیل بدون رقیب می‌ماند. بمباران تاسیسات هسته‌ای عراق در اوایل جنگ و به‌دور از مسیر معمول با همین هدف صورت گرفت.

یک سال پس از شروع جنگ عراق علیه ایران، هواپیماهای جنگی رژیم اسرائیل، پایگاه اتمی «تموز» عراق را در ژوئن ۱۹۸۱ بمباران کردند. با این حمله تنها پایگاه اتمی منطقه در خاورمیانه (به جز پایگاه اتمی اسرائیل در «دیمونه» در سرزمین‌های اشغالی) هدف قرار گرفته و تخریب شد. بدین ترتیب، سیاست کنترل اشاعه تاسیسات و سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه آغاز تازه‌ای یافت. آمریکا خود را همواره و آشکارا حامی بی چون و چرای رژیم اسرائیل در قلب خاورمیانه دانسته است و از رهگذر آن، سیاست راهبردی خود پس از جنگ دوم جهانی را، که همانا کسب اطمینان از دسترسی به انرژی ارزان و تسلط بر کنترل و امنیت عبور و مرور آن، تامین بازار برای فروش تسلیحات و تضمین سمت‌گیری سیاسی کشورهای منطقه در جهت منافع هنگفت ایالات متحده آمریکا است، تحقق بخشیده است. در واقع تأمین هدف‌های ایالات متحده جز با صیانت و مراقبت از موجودیت یک اسرائیل قوی در قلب خاورمیانه ممکن نبوده است.

آمریکا با نابودی پایگاه اتمی عراق توسط جنگنده‌های اسرائیل پیامی مهم به جهانیان داده است: هیچ‌گونه موقعیت و تاسیسات هسته‌ای، هر چند صلح آمیز، صرفاً به‌خاطر تهدیدهای محتمل علیه اسرائیل و بر هم زدن توازن قوا علیه سطره آن در خاورمیانه، تحمل نخواهد شد. از آن زمان، کشورهایی که در اندیشه فعالیت هسته‌ای متفاوت از دیدگاه‌های آمریکا بودند، احتیاط پیشه کرده‌اند؛ گرچه مورد تهدید مداوم نیز واقع شده‌اند.

در واقع محیط سیاسی و نظامی خاورمیانه که مولفه‌های امنیت بر اساس آن تعریف می‌شود تا قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال

سبب انرژی کشورهای عضو OECD ۲۰۰۵ تا ۱۹۹۰

۲۰۰۵	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۰	۱۹۹۹	۱۹۹۸	۱۹۹۷	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰
آمریکای شمالی															
۱۳۴	۱۳۴	۱۱۰۶	۱۰۷۹	۱۰۸۵	۱۰۷۱	۱۰۶۱	۱۰۴۲	۱۰۲۲	۹۹۳	۹۶۴	۹۷۰	۹۵۰	۹۳۴	۹۱۴	۹۳۱
۵۸۸	۵۸۱	۵۷۰	۵۸۰	۵۷۰	۵۷۹	۵۵۹	۵۵۵	۵۵۱	۵۳۳	۵۰۹	۵۱۰	۵۰۳	۴۸۸	۴۸۲	۴۸۶
۴۳۸	۴۳۷	۴۳۷	۴۳۴	۴۲۲	۴۵۷	۴۳۷	۴۹۹	۴۰۸	۴۰۲	۴۰۱	۵۸۲	۵۶۹	۵۵۱	۵۳۹	۵۱۷
۲۳۸	۲۳۸	۲۳۸	۲۳۲	۲۲۹	۲۲۹	۲۲۳	۲۰۷	۱۹۸	۲۱۳	۲۱۴	۲۰۶	۱۹۵	۱۹۳	۱۹۳	۱۸۰
۱۴۴	۱۴۴	۱۵۹	۱۵۶	۱۵۱	۱۶۸	۱۶۸	۱۶۵	۱۶۸	۱۷۲	۱۶۵	۱۵۹	۱۵۸	۱۶۱	۱۵۴	۱۶۸
۲۷۵۹	۲۷۶۰	۲۷۰۳	۲۶۹۴	۲۶۵۷	۲۷۰۵	۲۶۳۸	۲۵۶۹	۲۵۴۵	۲۵۱۴	۲۴۵۲	۲۴۲۸	۲۳۷۵	۲۳۲۸	۲۲۸۲	۲۲۶۱
اروپا															
۶۹۵	۶۹۹	۶۹۷	۶۹۲	۶۹۷	۶۸۵	۶۹۶	۶۹۷	۶۸۱	۶۸۰	۶۶۵	۶۶۸	۶۶۶	۶۶۷	۶۶۱	۶۲۷
۴۳۱	۴۳۰	۴۳۱	۴۲۰	۴۲۴	۴۲۶	۴۱۷	۴۳۶	۴۲۹	۴۵۹	۴۵۹	۴۳۴	۴۳۲	۴۳۵	۴۲۳	۴۳۸
۴۵۴	۴۳۹	۴۲۹	۴۰۶	۴۰۴	۴۹۱	۴۷۹	۴۳۴	۴۵۰	۴۵۰	۴۱۶	۴۹۱	۴۸۹	۴۷۴	۴۷۴	۴۵۸
۲۵۶	۲۵۹	۲۵۶	۲۵۳	۲۵۱	۲۴۴	۲۴۳	۲۳۹	۲۴۱	۲۳۸	۲۲۷	۲۲۳	۲۲۳	۲۱۴	۲۱۱	۲۰۴
۱۳۷	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۸	۱۳۰	۱۲۶	۱۲۱	۱۲۰	۱۱۶	۱۱۱	۱۱۰	۱۰۷	۱۰۷	۱۰۱	۹۹	۹۷
۱۸۵۴	۱۸۶۸	۱۸۴۳	۱۸۰۰	۱۸۰۶	۱۷۷۲	۱۷۵۴	۱۷۵۶	۱۷۳۶	۱۷۳۹	۱۶۷۸	۱۶۳۳	۱۶۳۸	۱۶۳۱	۱۶۶۸	۱۶۲۵
منطقه اقیانوس آرام															
۴۰۲	۴۰۱	۴۰۲	۴۰۱	۳۹۴	۴۱۱	۴۱۱	۳۹۸	۴۲۳	۴۲۱	۴۰۵	۳۹۸	۳۷۶	۳۷۰	۳۴۶	۳۳۲
۲۲۱	۲۱۸	۲۰۳	۱۹۹	۱۹۲	۱۸۶	۱۷۷	۱۶۸	۱۷۰	۱۶۱	۱۵۲	۱۴۷	۱۴۱	۱۳۸	۱۴۱	۱۳۹
۱۳۶	۱۳۲	۱۱۹	۱۱۴	۱۱۱	۱۰۷	۱۰۲	۹۴	۹۳	۸۸	۸۲	۷۹	۷۳	۷۰	۶۸	۶۶
۱۱۵	۱۰۸	۹۶	۱۰۸	۱۱۳	۱۱۲	۱۰۹	۱۱۰	۱۰۳	۹۸	۹۳	۸۵	۸۰	۷۳	۷۰	۶۶
۳۰	۳۲	۳۴	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۲۹	۲۸	۲۵	۲۷	۲۵	۲۷	۲۶
۸۹۱	۸۸۰	۸۵۳	۸۵۳	۸۴۰	۸۴۸	۸۳۰	۸۰۲	۸۲۰	۷۹۸	۷۶۰	۷۳۴	۶۹۷	۶۷۷	۶۵۳	۶۴۰
OECD															
۲۳۳۷	۲۳۴۲	۲۲۰۵	۲۱۷۳	۲۱۷۶	۲۱۶۷	۲۱۶۵	۲۱۳۸	۲۱۲۵	۲۰۹۵	۲۰۳۵	۲۰۱۶	۱۹۷۲	۱۹۵۰	۱۹۰۱	۱۹۰۱
۱۱۶۰	۱۱۴۹	۱۱۰۶	۱۰۹۹	۱۰۸۷	۱۰۹۲	۱۰۵۳	۱۰۵۹	۱۰۷۰	۱۰۵۳	۱۰۱۹	۱۰۲۱	۱۰۱۶	۱۰۲۲	۱۰۴۷	۱۰۶۳
۱۲۰۸	۱۱۹۷	۱۱۸۹	۱۱۶۷	۱۱۳۶	۱۱۵۵	۱۱۰۸	۱۰۵۸	۱۰۵۰	۱۰۴۱	۹۹۹	۹۵۲	۹۳۱	۸۹۶	۸۸۱	۸۴۱
۶۰۸	۶۰۶	۵۸۰	۵۹۳	۵۹۳	۵۸۵	۵۷۶	۵۵۶	۵۴۲	۵۴۹	۵۳۳	۵۱۵	۴۹۸	۴۸۰	۴۷۴	۴۵۰
۳۳۱	۳۳۶	۳۲۲	۳۱۵	۳۱۱	۳۲۶	۳۲۰	۳۱۶	۳۱۴	۳۱۳	۳۰۴	۲۹۲	۲۹۳	۲۸۸	۲۸۰	۲۷۱
۵۵۲۴	۵۵۰۸	۵۳۹۹	۵۳۳۷	۵۳۰۳	۵۳۳۶	۵۲۲۲	۵۱۷۷	۵۱۰۱	۵۰۵۰	۴۹۹۱	۴۷۹۵	۴۷۱۰	۴۶۳۶	۴۵۸۲	۴۵۲۶

می‌گیرد و از این نظر، خاورمیانه، مهمترین است. برای حفظ این جریان حیاتی پایگاه نظامی اسرائیل بعد از جنگ جهانی دوم تدارک دیده شده است. تحولات اروپا، کشتار یهودیان و تبعات آن برای اروپا غرب را با انگیزه دو چندان یکسره به طرف ایجاد اسرائیل در خاورمیانه و حفظ صیانت و ادغام آن در این منطقه به هر قیمتی هدایت کرد. «ایالات متحده باید آشکارا اعلام کند که نگرانی اساسی او درباره امنیت انرژی و چگونگی عرضه آن است. افزون بر این ایالات متحده باید در رویارویی با تهدیدات استراتژیک مشترک و بالا بردن سطح همکاری‌ها با اسرائیل پیشگام شود».

در عین حال امنیت کشورهای شورای همکاری

کلید امنیت انرژی است و و اشننگن باید میان این کشورها و فروشندگان سلاح این تفاهم را فراهم کند که این کشورها سلاح‌هایی را خریداری کنند که به‌طور موثر مورد استفاده قرار گیرد.

فروپاشی اتحاد شوروی و پیروزی آمریکا در جنگ اول خلیج فارس تحولات اشاعه اتمی در دنیا:

پایان جنگ ایران و عراق در ۱۹۸۸ به معنی پایان سیاست مهار دو گانه علیه دو کشور نبود. آغاز فروپاشی شوروی در ۱۹۸۹ و اقمار آن، که با فرو ریختن نمادین دیوار برلین همراه بود، به یک‌تازی غرب به رهبری آمریکا انجامید. اشتباه

محاسبه صدام حسین در اشغال کویت، که ناشی از جاه‌طلبی‌های وی و با تحریک غرب همراه بود، راه را برای مداخله و حضور مستقیم آمریکا در خلیج فارس، که سال‌ها برای آن لحظه شماری و بی‌تابی می‌کرد، فراهم ساخت. بلافاصله تنظیم یک‌طرفه معادلات منطقه‌ای به سود اسرائیل آغاز شد. انعقاد پیمان‌های مادرید در همان سال در ۱۹۹۱ و اسلو در ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴، که به انکار رسمی حقوق ملت فلسطین و رسمیت اسرائیل می‌انجامید، در جهت راهبرد کلان آمریکا و غرب در خاورمیانه صورت گرفت.

در واقع کویت یک واحد نفتی بود که حتی فارغ از جنگ سرد، خط قرمز منافع کلیدی و عامل حفظ

سبد انرژی کشورهای غیر عضو OECD

کشورهای شوروی سابق	1990	1991	1992	1993	1994	1995	1996	1997	1998	1999	2000	2001	2002	2003	2004
نفت	20.8	20.6	20.2	19.9	19.7	19.4	19.2	19.0	18.8	18.6	18.4	18.2	18.0	17.8	17.6
زغال سنگ	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8	2.8
گاز طبیعی	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9	20.9
انرژی هسته‌ای	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0
برق آبی/شبه	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6
سرمه	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9
کشورهای اروپایی غیر OECD	2.8	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7
نفت	2.8	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7
زغال سنگ	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2
گاز طبیعی	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0
انرژی هسته‌ای	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0
برق آبی/شبه	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6
سرمه	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9
کشورهای آسیایی	2.8	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7
نفت	2.8	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7
زغال سنگ	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2
گاز طبیعی	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0
انرژی هسته‌ای	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0
برق آبی/شبه	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6
سرمه	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9
کشورهای آمریکایی	2.8	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7
نفت	2.8	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7	2.7
زغال سنگ	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2	2.2
گاز طبیعی	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0	2.0
انرژی هسته‌ای	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0	0.0
برق آبی/شبه	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6	2.6
سرمه	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9	1.9

برتری و صیانت غرب تلقی می‌شود؛ خط قرمزی که صدام حسین آشکارا آن را نقض کرد!

اشغال کویت و در پی آن هدف قرار گرفتن اسرائیل توسط موشک‌های صدام حسین به تشدید فشارهای آمریکا در سطح جهان، با هدف جلوگیری از اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های دور برد با تخریب بالا (wmd) انجامید. آمریکا به سرعت به تجدید نظر در سیاست خود در قبال تحرکات و فعالیت‌هایی از این دست در کشورها و مناطق مختلف جهان پرداخت.

در سال ۱۹۶۸، پنج کشور آمریکا، شوروی سابق، چین، انگلستان و فرانسه که به توانایی هسته‌ای دست یافته بودند با امضای پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای npt، عملاً حقوق توسعه دسترسی‌های هسته‌ای را کاملاً در اختیار خود گرفته و سایر کشورها را از این توانمندی و ظرفیت‌های گسترده علمی و فنی آن محروم کردند. در واقع سیاست‌ها و انحصار هسته‌ای این پنج کشور سر آغاز فرار کشورهایی شد که برای حفظ امنیت و توسعه علمی خود دستیابی به سپر هسته‌ای و برخورداری از فناوری آن را هدف قرار دادند.

آفریقای جنوبی در ۱۹۹۴، برزیل و آرژانتین در دهه نود و هند و پاکستان در ۱۹۹۸ می‌بایست بر اساس ترتیبات صورت گرفته به نوعی به محدودیت‌های npt گردن بگذارند و امکان استفاده مستقیم از چرخه سوخت هسته‌ای را از کف بدهند.

تفکرات اتمی در هند به پیش از استقلال شبه قاره و به مساعی نهری بازمی‌گردد. البته آمریکا و کانادا نیز از سال ۱۹۵۴ از تلاش‌های اتمی هند در لوای برنامه‌ای با عنوان "اتم برای صلح"، که هدف از آن ایجاد سپر دفاعی علیه چین بود، حمایت می‌کردند. هند پس از شکست از چین در جنگ‌های مرزی ۱۹۶۲، فعالیت‌های اتمی خود را تا حدودی آشکار و در ۱۹۶۷ اولین آزمایش مواد هسته‌ای را انجام داد. بعدها، یعنی در سال ۱۹۹۸، راکتور غیر نظامی هند در جهت آزمایش نظامی مورد استفاده قرار گرفت. تا سال ۱۹۹۴، پاکستان بعد از سه شکست نظامی از هند، برزیل و آرژانتین در رقابت با یکدیگر و برای تضمین امنیت و استقلال خود در برابر آمریکا، و آفریقای جنوبی، با هدف برتری مطلق قاره‌ای در دوره حکومت سفیدها و آپارتاید، در مسیر اتمی شدن گام برداشتند. چین نیز با هدف مهار ژاپن، کره جنوبی و ناوگان دریایی آمریکا در دریای زرد، کره شمالی را به تسلیحات هسته‌ای مسلح کرد. به‌تازگی و در نتیجه مذاکرات شش جانبه، موضوع اتمی شدن

تولید نفت جهان ۱۹۹۰-۲۰۰۵

سازمان بین المللی انرژی (IEA)

Table with columns for years 1990-2005 and rows for various countries including Iran, Iraq, Saudi Arabia, etc. The table contains numerical data representing oil production over time.

کره شمالی، با کسب امتیازهایی از آمریکا، به سمت حل و فصل جریان یافته است.

بعد از فروپاشی شوروی و جنگ اول خلیج فارس در ۱۹۹۱، آفریقای جنوبی مجبور شد سیاست هسته‌ای خود را کنار بگذارد. برزیل و آرژانتین نیز تحت کنترل قرار گرفتند. در مقابل، هند با حمایت غرب و روسیه به توانایی اتمی نظامی دست یافت و پاکستان نیز در این رقابت‌ها و با حمایت مسقیم و قاطع چین آزمایش اتمی خود را به ثمر رساند. در قبال توسعه فناوری اتمی در شبه قاره هند و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، آمریکا و هند به عقد پیمان هسته‌ای در سال ۲۰۰۷، خارج از ترتیبات و توافقات بین‌المللی، اقدام کردند، و با این نمایش، چشم‌انداز خطرناکی را در برابر جهانیان گشودند. این تغییر رویکرد آمریکا ناشی از نگرانی جدی ملاحظات جدید بین‌المللی در قبال چین، پاکستان، روسیه و ایران بود.

مطالعات نشان می‌دهند که کشورهای همچون نیجریه، ژاپن، کره جنوبی، فیلیپین و پاکستان (با موفقیت‌های بعضا قابل ملاحظه) سعی کرده‌اند که تصویر رسانه‌ها از خود و برداشت نخبران، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان غربی و جامعه بین‌الملل را از سیاست‌هایشان تغییر دهند. این امر، بیشتر اوقات، سبب تقویت جایگاه و توجیه اهداف این کشورها نزد تعیین‌کنندگان سیاست خارجی کشورهای موثر دنیا شده است. مثال بارز این امر پاکستان است که توانست با تمرکز بر ارتباطات استراتژیک با ایالات متحده در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در پرتو تحولات منطقه‌ای (اشغال افغانستان توسط شوروی کمونیست و انقلاب اسلامی در ایران و اتحاد هند و شوروی) و افزایش و جلب کمک‌های خارجی، در عین تکیه و ارتباطات مخفی با چین کمونیست و پوشش دولت غیر نظامی بی نظیر بوتو، به صنعت غنی‌سازی، دستاوردهای نظامی آن و ایجاد توازن منطقه‌ای با هند دست یابد.

البته باید توجه داشت که این کشورها همگی خارج از حوزه خاورمیانه و حساسیت‌های آمریکایی - اسرائیلی قرار داشتند، و حساسیت کمتری نسبت به آنها وجود داشت.

در واقع غرب با درک درست و به موقع ارزش و ماهیت منابع مختلف انرژی به تبیین راهبرد خود در قبال نفت و گاز جهان دست زد. در این اساس نفت و گاز فراوان و ارزان در اولویت استفاده قرار گرفت و انرژی هسته‌ای به‌عنوان موتور پیشرفت جهان فوق صنعتی در انحصار کامل قرار گرفت. این سیاست

را هربرد در نهایت و در چارچوب شورای امنیت سازمان ملل و تقسیم سهام بین اعضای شورا، به محدود کردن دیگران از حقوق استفاده از آن منجر شد.

با اجرای سیاست‌های سخت مالیاتی و پولی بر منابع فسیلی و واردات آن و وضع قوانین سخت و تنبیهی در قبال فناوری هسته‌ای به بهره‌برداری از منابع فراوان و ارزان سوخت‌های فسیلی در دنیا پرداخت. با دادن سوبسیدهای سنگین به سایر حامل‌های انرژی، همچون انرژی هسته‌ای و ذغال‌سنگ (که بیشتر در دسترس غرب قرار دارد) به تحمیل شرایط خود به کشورهای صادرکننده نفت و گاز و بزرین پرداخت و در داخل، به دور از دغدغه، به توسعه صنعتی و نظامی خود ادامه داده است.

در این چارچوب، اردوگاه غرب از یک سو دخالت در بحث منابع و تعیین بهای سوخت‌های فسیلی را بر نمی‌تابد (اوپک و سایر کشورهای مستقل نفتی)، و از سوی دیگر دخالت در تحصیل صنعت هسته‌ای و فناوری عالی آن را تحمل نمی‌کند. همین مبنا را روسیه و چین نیز به نوعی پذیرفته‌اند. چین به‌عنوان مصرف‌کننده و روسیه به‌عنوان صادرکننده سوخت‌های فسیلی با مشارکت عملی در سیاست‌های غرب در این روند مشارکت جسته‌اند. حضور یافته‌اند.

هم‌اکنون بازارهای اروپا تا ۷۰ درصد و بازار آمریکا تا بیش از ۵۰ درصد از واردات نفت و گاز و سایر فرآورده‌های فسیلی مالیات می‌گیرند. بدین ترتیب شرکت‌های چند ملیتی در غرب در هر دو بازار تولیدکننده (به لحاظ بهای ارزان و دسترسی آسان) و مصرف‌کننده (از نظر ثبات و تضمین بازار) مورد حمایت قرار می‌گیرند.

در جداول پیوست مقدار و جغرافیای استفاده از سوخت‌های فسیلی و هسته‌ای از ابتدای دهه ۹۰ نشان داده شده است. جداول آشکارا گویای افزایش استفاده از انرژی‌های فسیلی و هسته‌ای توسط کشورهای OECD در مقایسه با سایر مناطق دنیا طی نزدیک به سه دهه می‌باشد. در این میان، نکته جالب توجه، نمایش رقم صفر برای تمامی کشورهای خاورمیانه در استفاده از انرژی هسته‌ای است. حال آنکه طبق معمول، در باره رژیم اسرائیل اغماض شده و دارایی اتمی و نظامی آن ذکر نشده است. نتیجه روشن سیاسی که از مطالعه این نمایه‌ها به دست می‌آید ارتباط مستقیم محروم ماندن کشورهای خاورمیانه از فناوری هسته‌ای، همراه با

اعمال سیاست‌های یک جانبه غرب در حمایت از اسرائیل است.

چالش هسته‌ای ایران و تبعات آن

چالش هسته‌ای ایران، که منطقه و فضای بین‌المللی را کاملاً تحت تاثیر خود قرار داده است، نه تنها تا حدودی چشم‌انداز پیشرفت و توسعه علمی منطقه را ترسیم می‌کند، بلکه همچون دهه‌های ۶۰ و ۷۰، آمریکا و غرب را با پرسش‌های جدی در موضوع امنیت اسرائیل و ظرفیتهای تهدیدزایی آن مواجه می‌سازد. نتیجه‌گیری منطقی است اگر بگوییم که بحث توسعه هسته‌ای ایران، به دلیل گمانه‌های مختلفی که ایجاد می‌کند، با موجودیت اسرائیل و بالمآل منافع حاصل از سیاست‌های مربوط به انرژی و بازار تسلیحاتی غرب، قابل جمع نیست و بنابراین امکان مصالحه طرفین در باره آن قریب به صفر است.

بنابراین، این تصور که توافق هسته‌ای ایران و آژانس به مخته‌شدن پرونده اتمی ایران منتهی خواهد شد با واقعیات حاضر و اهداف و نیت غرب منطبق نیست. البته اگر ایران و آژانس به توافق نمی‌رسیدند، این امر به یقین به سود آمریکا تمام می‌شد، و چنانچه مذاکرات این دو به توافق می‌انجامید (که چنین هم شد)، طبعاً به زیان غرب بود. یعنی در هر دو حالت نتایج مذاکرات و تلاش‌ها به تسریع اجرای طرح‌های یک جانبه غرب کمک خواهد کرد. و این واقعیت را تحمیل می‌کند که آژانس و کشورهای و اعضای، مستقل از اراده سیاسی موجود مسیری دشوار و نیازمند دقت فراوان را باید پیمایند.

در حال حاضر در این پرونده تاثیرگذاری بر رسانه‌ها و تصمیم‌گیرندگان و صاحب‌نظران بین‌المللی با هدف کنترل بحران، بر خلاف تجربه سایرین و تدبیر منطقه‌ای و بین‌المللی حرکت می‌کند. تجربه دولت خاتمی در هدف‌سازی منطقی و قابل دفاع در غنی‌سازی و صنعت هسته‌ای ایران و دستاورد رویکرد صلح‌آمیز آن در کسب حمایت صاحب‌نظران و سیاستمداران موثر و بانفوذ بین‌المللی و جلب افکار عمومی جهانی، الگوی موفق و گرانبهائی است که باید به‌جد آن را پیگیری کرد.

حرکت و موفقیت در جلب افکار عمومی نقطه ضعفی بوده است که در همه مذاکلات و درگیری‌های آمریکا پس از جنگ‌های دوم جهانی این کشور را به شدت رنج داده است. هجمه افکار

عمومی شکست آمریکا را در ویتنام قطعی کرد. و گذاری افکار عمومی در خاورمیانه و غفلت بزرگ و از سر تکبر از آن طی دهه‌های گذشته، زمانی که آمریکا بی پروا از موجودیت اسرائیل و همه جنایات آن دفاع و همه کشورهای و تمایلات ملت‌های منطقه را انکار و تقیح می‌کرد به شکست کنونی آمریکا در برابر افراط‌گرایی و تروریسم کور در منطقه منجر شده است. بلایی که متحدان آمریکا را نیز در منطقه از آن گریزی نیست و آمریکا مجبور است به نیابت از این کشورها با تروریسم فراگیر بجنگد، در غیر این صورت خیلی زود این کشورها توسط تروریست‌ها و حامیان آنها تصرف می‌شود و دیگر آرزو و سودای نفت ارزان و آسان و بازار اسلحه و امن در پرتوی اسرائیل بزرگ! وجود نخواهد داشت.

تجربه روند جنگ تحمیلی عراق در اوت ۱۹۸۰ علیه کشورمان و جنگ‌های اول و دوم آمریکا در خلیج فارس در ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ و جنگ افغانستان در ۲۰۰۱ و جنگ‌های رژیم صهیونیستی علیه لبنان و حزب‌الله در سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۰۶ در جنگ ۳۳ روزه، همگی حکایت از تصمیم‌گیری و اراده قبلی آمریکا برای بهره‌برداری و درگیر کردن و زدن اهدافی می‌کند که به نحوی مستقیم و غیر مستقیم بر خلاف اهداف ترسیم شده این کشور در منطقه با محوریت اسرائیل و انرژی ارتباط داشته است و دارد.

مسئله ایالات متحده در همین مسیر و نگرانی در قبال برنامه هسته‌ای ایران حرکت می‌کند و سعی دارد اراده خود را غالب نماید. ضمن اینکه حکومت فعلی جمهوریخواهان در آمریکا و رئیس‌جمهور آن جرج بوش، اصولاً به لحاظ باورها و توهومات مذهبی و ایدئولوژیک خود تفاهم در بحث هسته‌ای ایران را درست نمی‌داند، لذا بر پیچیدگی کار و فرمول‌های قابل فرض در هر گونه مصالحه‌ای افزوده می‌شود. ●

* محقق سیاسی

۱- (پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، ۱۳۸۶)

۲- (مصدق نفت و نامیونالیسم ایرانی، جیمز بیل و راجر لویس، نشر نو، ۱۳۶۸، ص ۲۴۶).

۳- (فهم قدرت، نوام چامسکی، رسا، ۱۳۸۲، ص ۲۹۷ جنگ خلیج فارس).

۴- (سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه، ص ۱۰۸، گزارشی از گروه مطالعات ریاست جمهوری آمریکا، ترجمه موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران)

۵- (منبع فوق، ص ۱۱۳)